

بن‌لایه‌های شناخت



■ سازمان سمت
■ ۱۳۸۸

هدف اصلی کتاب بررسی بسیار اجمالی از مسائل اساسی یا لایه‌های بنیادین یا بن‌لایه‌های شناخت است. به همین منظور بخش اول کتاب با عنوان «شناخت‌شناسی» به این موضوع اختصاص یافته است. در این بخش مطالبی در زمینه تعریف علم؛ ماهیت تجربه و تصویری بودن علم و تصدیق ارائه می‌شود. در فصل ماهیت حمل و ضرورت در قضایا، ابتدا نقد نظر کانت در باب قضایای پیشین و پسین، تحلیلی و ترکیبی بیان می‌شود.

مختارات من نصوص الفلسفة الاسلامیة



■ سازمان سمت
■ ۱۳۸۰

کتاب حاضر گزیده‌هایی متنوع از متون فلسفی به زبان عربی را به صورت موضوعی در اختیار دانشجویان رشته فلسفه قرار می‌دهد. ویژگی ممتاز این کتاب انتخاب هدفمند موضوعات و سیر منطقی و مرتبط دروس است و دانشجویان راهنمایی استاد می‌توانند ضمن فراگیری مباحثی از فلسفه اسلامی، با منابع اصیل این حوزه، قرائت متون به زبان عربی، ترجمه و اصطلاحات آن آشنا شود.

پادزهر در دفع انکار نزول وحی



■ بوستان کتاب قم
■ ۱۳۹۵

این نوشتار در پاسخ به کتاب «بسط تجربه نبوی» نگارش یافته و طی آن، مقوله نزول وحی ذیل پانزده پرسش و پاسخ نقد و بررسی می‌شود. نویسنده کتاب بسط تجزیه نبوی، نزول جبرئیل و آوردن وحی را از سوی خداوند، ساخته و پرداخته ذهن پیامبر خدا می‌داند. پرسش‌ها با مضامینی از این قبیل مطرح شده‌اند: تجربه نبوی، تعریف نبوت، واکنش بشری پیامبر (ص) نسبت به حوادث و ذات اسلام.

حوزه در طراز دانشگاه

نقش احمد احمدی در وحدت حوزه و دانشگاه چه بود؟

دوم کتاب

از سوی دیگر، انقلاب عطش تازه‌ای را ایجاد کرده بود که باید با تولیدات جدید علمی پرمی‌شد. درس‌های تازه‌ای گذاشته شده بود. یک فرجه‌ای تحت عنوان تعطیلی دانشگاه‌ها داده شد، و در این فاصله تلاش‌ها آغاز شد و پس از آن، از سال ۶۲ فعالیت‌های آموزشی آغاز شد. آقای دکتر احمدی به همراه دوستان‌شان در شورای عالی انقلاب فرهنگی نقش محوری در برنامه‌ریزی داشتند. ایشان به دلیل ارتباط با قم، نقش حساس‌تری داشت. در هر حال، ما در یک شرایط خلاء بودیم. این خلاء هم در مورد استاد بود و هم در مورد کتاب درسی. این وضعیت باید مورد توجه قرار می‌گرفت. دکتر احمدی به طور جدی در هر دو زمینه فعال بود.

دانشگاه تربیت مدرس

نخست اینکه او توفیق تاسیس و اداره دانشگاه تربیت مدرس را داشت. این دانشگاه، برای سال‌ها توانست، تامین‌کننده شماری از استادان باشد. من نمی‌گویم این کار، در چه یک بود و آنها که از تربیت‌مدرس درآمدند، بهترین، اما به هر حال کشور نیاز به استاد داشت و آن سال‌ها از این نظر شرایط دشواری در دانشگاه‌ها بود. دانشگاه‌ها در بخش کارشناسی در حال توسعه بودند، اما استاد به اندازه کافی وجود نداشت. تامین استاد، فقط در تربیت مدرس نبود؛ دکتر احمدی، برای تامین استادان درس‌های معارف اسلامی هم سخت تلاش می‌کرد و نمونه‌اش کاری بود که در قم آغاز کرد تا یک گروه شصت، هفتاد نفره را برای این کار تربیت کند.

مرکز نشر دانشگاهی و سمت

مشکل دیگر کتاب بود. داستان کتاب‌های دانشگاهی و درسی، طولانی است و مسیرهای مختلفی را در تاریخ معاصر ما طی کرده است. از یک جهت، دانشگاه به نوعی محلی است که باید به اجتهاد فکری نزدیک باشد، و طبعاً نمی‌تواند در چارچوب یک کتاب مشخص بماند، از سوی

رسول جعفریان نویسنده و پژوهشگر

دکتر احمد احمدی، شخصیت متفاوت و ممتازی در میان هم‌مسلمانان، هم‌کلاسان، هم‌لباسان، همکاران، و معاصران خود دارد و این سبب می‌شود تا ما در سطح کارهایی که انجام می‌داد، از او یک مدل و معیار عرضه کنیم. به نظرم این مدلی است که سخت نیازمند آن هستیم و در این زمینه فقیریم. نویسندگانی که درباره ایشان قلم زدند، یا بیانیه دادند، همگی، هم‌زمان، نسبت به اخلاق و فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی از زاویه مدیریتی متعجب و شگفت‌زده بودند و او را در بخش تاسیس نهادهای پژوهشی، آموزشی و نیز در مدیریت موثر و طولانی آنها، تحسین می‌کردند. اینکه تصور کنیم دکتر احمدی کاری انجام داد که در یک شرایط خاص، سخت نیازمند آن بودیم، مهم است. خیلی‌ها ممکن است کاری کنند برای زمان‌های دیگر، اما او زمان خود را شناخت، و با تمام استعداد و موقعیت و اخلاق، سعی کرد این نیاز زمان را برطرف کند.

مهم‌ترین خلاء علمی پس از انقلاب

من فکر می‌کنم ایشان از زمانی که به شورای عالی انقلاب فرهنگی رفت، حس می‌کرد، و حس درستی هم بود که یک خلاء علمی-فرهنگی در کشور هست. در واقع، یک نیاز عجیبی ایجاد شده بود که باید برای آن چاره‌ای اندیشیده می‌شد. مقصودمان یک نیاز در سطح کارهای دانشگاهی است؛ جایی که دکتر احمدی به آن تعلق داشت. در این زمینه، دو نوع خلاء پدید آمده بود.

اول استاد

از یک طرف بسیاری از استادان قدیمی یا بازنشسته شدند یا اخراج شدند، چون به هر حال بسیاری از آنها زبان انقلاب را در شرایط جدید درک نمی‌کردند، چنان‌که بسیاری از مدیران فرهنگی سابق به دلیل اینکه از همکاران رژیم قبل بودند، کنار گذاشته شدند. اینها شرایطی بود که انقلاب پدید آورده بود.

دیگر، به‌ویژه در دوره کارشناسی، ما نیازمند نوعی استقرار بودیم و هستیم. به هر حال، جمع‌بندی این بود که سمت در حوزه علوم انسانی این کار را انجام بدهد و آقای دکتر احمدی، از وقتی سراغ آن رفت، تا پایان عمر دست از آن نکشید. من در اینجا باید از یک مرکز مهم دیگر که در دو دهه اول انقلاب فعال بود، یاد کنم و آن مرکز مرکز نشر دانشگاهی است که سمت در مرحله بعد، به این جریان پیوست و البته بسیار فعال کار را دنبال کرد. به نظر می‌رسد، مرکز نشر دانشگاهی با مدیریت آقای دکتر پورجوادی و همکاران‌شان، از مراکز موفق پس از انقلاب در حوزه کتاب دانشگاهی بودند. بعدها مرکز نشر دانشگاهی گرفتار مشکلات سیاسی و مدیریتی شد و بسا دخالت‌های نادرست آن را از وظایفش بازداشت و تا امروز هم تقریباً غیرفعال مانده است... و اما دکتر احمدی در این راه پایداری و ورزید و سمت را دودستی نگاه داشت و توانست گام‌هایی بردارد.

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه

در سطح کارهای پژوهشی دو اقدام مهم دیگر توسط آقای دکتر احمدی صورت گرفت: نخست مشارکت در تاسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه بود که هدفش در دوره تعطیلی دانشگاه‌ها، فعال کردن دیدگاه‌های اسلامی در حوزه علوم اجتماعی، انسانی و اقتصادی بود. در این رابطه آیت‌الله مصباح یزدی هم فعالانه مشارکت داشت، چنان‌که شمار قابل توجهی از استادان دانشگاه هم بودند. بعدها این دفتر به سمت متصل شد، و اندکی بعدتر به تدریج با عنوان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه مستقل شد، اما هیچ‌گاه ارتباطش با سمت به خاطر آقای دکتر احمدی و مشترک بودن کار آنها در تدوین کتاب‌های درسی، قطع نشد. در واقع، باید گفت روح دکتر احمدی در آن هم دمیده شد و این اواخر و تا به امروز هم کارهایی که در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه انجام شده، باز با کمک سمت انتشار می‌یابد.